

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید گفتگویی که دیروز داشتیم این بود که آیا آنگونه که مرحوم آخوند بیان می کنند در احکام اضطراری ما باید به اطلاق دلیل حکم اضطراری تمسک کنیم یا اطلاق دلیل حکم اختیاری؟ در اینجا ما چند موج داریم که این ها را مرحوم آقای حکیم بیان می کنند.

موج اول: مرحوم آخوند می فرماید؛ کسی که اول وقت آب در اختیار ندارد می تواند به اطلاق لم تجدوا ماءً فتیمموا صعیداً تمسک کند و نماز را در اول وقت با تیمم بخواند. یا کسی که عذرش برطرف شده می تواند به اطلاق دلیل تمسک کند و عمل را تکرار نکند و بگوید دلیل بدل(حکم اضطراری) اطلاق دارد.

دقت کنید اطلاق دلیل بدل، جواز بدار و اجزا را ثابت می کند.

موج دوم: مگر در اطلاق دلیل مبدل گفته نشده است که در همه احوال وضو بگیرد آیا اطلاق دلیل مبدل نمی گوید وظیفه کسی که در اول وقت آب ندارد صبر کردن است؟ حتی طبق اطلاق دلیل مبدل، کسی که قبل از وقت آب دارد اجازه ندارد آب را دور بریزد از این رو واجب است قدرتش را حفظ کند؛ از قدیم سوالی مطرح بود که اگر کسی قبل از وقت آب دارد و تکلیفی هم ندارد می تواند آب را دور بریزد یا باید آب را نگه دارد تا با آن بعداً وضو بگیرد؛ آقایان می فرمودند حفظ قدرت لازم است. به قول آقای حکیم این حاکی از آن است که مصلحت واجب اختیاری با انجام واجب اضطراری استیفاء نمی شود.

موج سوم: وقتی ما دلیل بدل را با دلیل مبدل در کنار هم می گذاریم واجب اضطراری یعنی بدل، حاکم و مفسر بر دلیل مبدل می شود. شارع در ابتدا می گوید وقتی خواستید نماز بخوانید وضو بگیرید و... بعد در دلیل دیگری می فرماید اگر آب نیافتید و به اضطرار افتادید تیمم کنید معلوم است که این دلیل دوم حاکم بر دلیل اول است؛ همیشه می گویند فقیه وقتی با چنین شرایطی مواجه شد باید بداند کدام دلیل حاکم بر دیگری است. همیشه دلیل اضطراری حاکم بر دلیل اضطراری است. تقیه همیشه حاکم بر دلیل غیر تقیه ای است.(مرحوم آقای خوئی تقیه را خارج از محل بحث می دانند اما به نظر ما با یک نگاه موسع تقیه در بحث ما داخل است) یک سوالی که مردم در حج بسیار می پرسند این است: شما که می گوید پشت سر عامه، می توانید تقیه نماز بخوانید و... آیا این اطلاق دارد؟ بیان اطلاق: یعنی انسان الان در حال تقیه است اما می تواند ده دقیقه دیگر خودش را از حالت تقیه خارج کند آیا چنین شخصی می تواند به اطلاق تقیه تمسک کند و بدون ما یصح السجود علیه نماز بخواند؟ اگر اطلاق را بپذیریم نماز در همان ده دقیقه اول درست است اما اگر اطلاق دلیل تقیه را نپذیریم باید ده دقیقه صبر کند بعد برود در هتل نماز بخواند.

موج چهارم: وقتی یک حکمی برای اضطرار است یعنی حکم برای فرض اختیار و طبع اولی نیست از این باب، قانون گذار اجازه داده است؛ قانون گذار لطف کرده و فرموده آب نداری تیمم کن، جانم در خطر است تقیه کن و... این ها قدر مقدور است یعنی شما چون چاره نداری باید تیمم کنید اما اگر شما می توانید در آخر وقت با وضو نماز بخوانید چرا باید در اول وقت نماز بخوانید چرا باید به اطلاق دلیل بدل مراجعه کنید؟! طبق این بیان دلیل اضطرار اطلاق ندارد و باید به قدر متیقن رجوع شود. و در غیر قدر متیقن باید به اطلاق دلیل مبدل رجوع شود.

بله اگر یک جا قرینه خاص داشتیم مثلاً جایی که شارع فرمود این حکم اضطراری کفایت از حکم اختیاری می کند و... ما آن را می پذیریم؛ فرض کنید شارع در مقام بیان تمام غرضش باشد و حرفی از قضا و اداء نزند و دستور به تیمم بدهد در این صورت می توان از اطلاق مقامی استفاده کرد و قائل به اجزا شد.

استاد: آقای حکیم باز هم موج ها را ادامه می دهند اما ما به همین مقدار اکتفا می کنیم؛ دقت کنید در این جور موارد، که رفت و برگشت زیاد دارد مجتهد باید گلوگاه بحث را پیدا کنید. والا رفت و برگشت های بی حاصل خواهد شد. من در کتاب روش شناسی به این نکته اشاره کرده ام.

من مطلبی می خواهم عرض کنم که این مطلب را آقای عراقی و خویی هم فرموده اند:

وقتی عملی واجب می شود و واجب هم موسع است مثلاً در تابستان شما از ظهر تا مغرب 7 ساعت وقت دارید و باید در این وقت دو نماز 4 دقیقه ای را اتیان بکنید و... در اینجا که شخص چندین ساعت وقت دارد طبیعت عمل برایش واجب است نه فرد خاص؛ وقتی اضطرار به چنین شخصی صدق می کند که عذرش مستوعب باشد و الا در جایی که طبیعت وقتش موسع است نمی شود به اطلاق دلیل بدل تمسک کرد. فرض کنید یک نفر 10 دقیقه در حال اضطرار است و بعد از 10 دقیقه اضطرارش برطرف می شود آیا چنین شخصی می تواند به اطلاق دلیل بدل تمسک کند؟ کسی که در مسجد الحرام است و می تواند 10 دقیقه صبر کند آیا می تواند بگوید من مضطر هستم و الان نماز را تقیه ای می خوانم. به نظر اضطرار به چنین شخص صادق نیست. به نظر ما التزام به اطلاق دلیل بدل در چنین مواردی بسیار مشکل است. بله اگر کسی موردی، به اطلاق برسد - فرض کنید در دلیل تیمم به اطلاق نرسد اما در دلیل تقیه برسد یا عکسش در دلیل تیمم به اطلاق برسد اما در دلیل تقیه نرسد - این موارد از موارد خاص است که باید در فقه بحث شود ما در علم اصول با مسائل کلی کار داریم نه موارد خاص.

آقای خویی تعبیر زیبایی در این زمینه دارند ایشان می فرماید: در افراد عرضی مثلاً در ده دقیقه اول من اینجا نمی توانم نماز بخوانم اما جای دیگر می توانم بخوانم مثلاً یک جا زمین صاف است و درجای دیگر ناهموار، آیا شما اینجا می گوید اضطرار؟ در افراد هم عرض، اگر ناتوانی نسبت به بعضی از افراد باعث صدق اضطرار نمی شود در افراد طولی هم اینگونه است اگر انسان در یک ساعت اول عاجز از انجام عمل است اما از ساعت دوم عاجز نیست به چنین شخصی مضطر اطلاق نمی شود. من در سفر اخیر دیدم بعضی ها که مسولیت مساله گفتن دارند از پس کار بر نمی آیند.

شخصی از روحانیون کاروان می گفت اگر شما رفتید و اقتدا به امام جماعت سنی کردید درست است سنی ها نماز مغربشان را قبل از وقت می خوانند اما همین که در رکعت سوم هم باشید و وقت داخل شود کافی است چون قاعده داریم که کسی یک رکعت را درک کند همین مقدار کافی است. من گفتم آقای بزرگوار این برای آخر وقت است نه اول وقت! مثلاً کسی دیر بیدار می شود یک رکعت از نمازش در درون وقت و یک رکعت خارج وقت است نماز چنین شخصی ادا است نه قضا؛ بعد رفتم پیش یک نفر گلایه کردم که روحانی شما اشتباه مساله نقل می کند عجیب اینکه فهمیدم مسئول بالاتر خودش این مساله را به روحانیون گفته است.

به نظر ما جایی برای اطلاق دلیل بدل، جواز بدار و اجزا - لولا بیان خاص - وجود ندارد.

محقق عراقی: حرف های که ما زدیم را دارند اما مدعی اند در مورد خصوص آیه تیمم، سیاق و لسان آیه اقتضای جواز بدار و اجزا را دارد. ایشان می فرماید: امکن استفادة ان الموضوع هو مطلق الاضطرار لا الاضطرار الی الطبيعة الی آخر الوقت ... ظاهر آیه تیمم این است که آن اول اگر اضطرار داشتی کفایت می کند. نظراً الی دعوی ظهورها بقرینة صدر آیه و هو قوله اذا قمتم الی الصلاة ... فی کفایة مجرد عدم القدرة علی الطهارة المائیه اول الوقت و عند القيام الی الصلاة. ایشان می فرماید آیه می فرماید: اذا قمتم الی الصلاة یعنی وقتی اراده نماز کردید. ابن هشام در باب پنجم مغنی این مطلب را بیان می کنند و می گویند معلوم است که مراد از قمتم، اردتم است. چون بعد از قمتم (ایستادن) دیگر وضو گرفتن معنا ندارد و... اما اگر آب نداشتید لم تجدوا ماءً فتميموا این هم ناظر به همان اول وقت است. و ربما یوید ذالک ملاحظه صدر اسلام می دانید در صدر اسلام مردم پنج بار نماز می خواندند این ها که تیمم می کردند دیگر نماز را دوباره نمی خواندند در بسیاری از مواقع هم در اول وقت با تیمم نماز می خواندند پس از فعل مسلمانان بدار و اجزا برداشت می شود.

ایشان تعبیر به یوید می کند چه بسا تعبیر به یوید به این خاطر است که فعل مسلمانان حجت نیست و از خود پیغمبر (ص) هم در این باره چیزی نداریم و...

استاد: آیا از آیه این استفاده می شود در مقام بیان این جهت است؟ آیا این جزئیات از آیه استفاده می شود ما حاضریم قسم بخوریم این جزئیات از آیه به دست نمی آید.

فصل الخطاب برای ما کلام امام باقر یا امام صادق علیهما السلام است در صحیحه زراره؛ حضرت می فرمایند: انا لم یجد المسافر الماء فلیطلب مادام فی الوقت فاذا خاف ان یفوته الوقت فلیتیمم و لیُصلِّ. طبق این روایت نمی توان جواز بدار را پذیرفت.

ما قائل به اجزا هستیم معنا ندارد شارع بفرماید تیمم بکن نماز بخوان بعد از وقت که آب پیدا کردی قضا کن ثبوت قضا دلیل می خواهد. اما اگر دلیل نداشتیم نمی توان وجوب قضا را معتقد شد. فقط یک چیز می ماند اگر شک کردیم چه کنیم؟ مرحوم آخوند می فرماید در فرض شک برائت جاری می شود.

الحمد لله رب العالمین